

تفسیر سورہ

سین

سیمای سوره لیل

این سوره بیست و یک آیه دارد و در مکه نازل شده است. نام سوره، برگرفته از آیه اول است که با سوگند به شب هنگام آغاز شده است. سوگند با تأکید به تفاوت تلاش‌ها و انگیزه‌های بشری آغاز و با بیان قانون مکافات عمل ادامه می‌یابد. قانونی که احسان به دیگران را اساس گشایش در کارها و بخل و بزرگی طلبی را عامل دشوار شدن امور انسان معرفی می‌کند. ادامه سوره به سنت عام هدایت الهی اشاره داشته و سرانجام آنان را که به انذار الهی توجه نمی‌کنند، آتش دوزخ و فرجام اهل تقوا را آزادی از آن بیان می‌کند. البته متقیانی که اهل زکات هستند و انگیزه‌ای جز رضای الهی ندارند، که خداوند نیز اسباب خشنودی آنان را فراهم می‌سازد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿۱﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ ﴿۲﴾ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ ﴿۳﴾ وَمَا خَلَقَ
الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ ﴿۴﴾ إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ

(۱) به شب سوگند، آنگاه که (زمین را در پرده‌ای سیاه) فرو پوشاند. (۲) به روز سوگند، آنگاه که روشن شود. (۳) سوگند به آن کس که نر و ماده را آفرید. (۴) همانا تلاش‌های شما پراکنده است.

نکته‌ها:

- در حدیث می‌خوانیم: خداوند به هر چه از مخلوقاتش که بخواهد، حق دارد سوگند یاد کند ولی مردم باید تنها به خدا سوگند یاد نمایند.^(۱)
- «شقی» جمع «شتیت» به معنای متفرق است. سوگند، تنها برای تفاوت سعی‌ها نیست، زیرا که این تفاوت بر همه روش است، بلکه سوگند به خاطر نتایج و آثار متفاوت کارها است.
- سایه‌ی شب یک نعمت بزرگ است که در آن تعدیل حرارت، آسایش جسم، آرامش روح و نیایش‌های خالصانه انجام می‌گیرد.

پیام‌ها:

- ۱- زمان، امری مقدّس و قابل سوگند است. ﴿واللیل اذا یغشی﴾
- ۲- هم به نشانه‌های آفاقی توجه کنید، ﴿واللیل... والنهار﴾ هم به نشانه‌های انفسی.

۱. تفسیر نورالثقلین.

﴿و ما خلق الذکر و الانثی﴾

۳- نظام زوجیت در حیوان و انسان، نشانه قدرت و حکمت خداوند است. ﴿ما

خلق الذکر و الانثی﴾

۴- تفاوت مهر یا قهر خداوند حکیمانه و عادلانه است نه گزاف، زیرا تلاشهای

شما انسانها گوناگون است. ﴿ان سيعکم لشیء﴾

﴿۵﴾ فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى ﴿۶﴾ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى

﴿۷﴾ فَسَنِّيْسِرُهُ لِلْيُسْرَى ﴿۸﴾ وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى ﴿۹﴾ وَ

كَذَّبَ بِالْحُسْنَى ﴿۱۰﴾ فَسَنِّيْسِرُهُ لِلْعُسْرَى ﴿۱۱﴾ وَمَا يُغْنِي

عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى

(۵) اما آن که انفاق کرد و پروا داشت (۶) و پاداش نیک (روز جزا) را تصدیق کرد.

(۷) به زودی ما او را برای پیمودن بهترین راه آماده خواهیم کرد. (۸) ولی آنکه

بخل ورزید و خود را بی نیاز پنداشت. (۹) و پاداش نیک (روز جزا) را تکذیب نمود.

(۱۰) پس او را به پیمودن دشوارترین راه خواهیم انداخت. (۱۱) و چون هلاک شد،

دارایی‌اش برای او کارساز نخواهد بود.

نکته‌ها:

□ شاید مراد از عطای همراه با تقوی، این باشد که عطا با نیت خالص و بدون منت، آن هم از

مال حلال و در مسیر خدا باشد که تمام این امور در کلمه تقوی جمع است. ﴿اعطى واتق﴾

□ اگر خداوند برای برخی راه خیر را باز می‌کند، ﴿فسنيسره لليسرى﴾ و برای برخی راه شر را

﴿فسنيسره للعسرى﴾ به خاطر تفاوت تلاش خود انسان‌ها است. ﴿ان سيعکم لشیء﴾

□ در خانه شخصی ثروتمند درختی بود که کودکان همسایه هنگامی که میوه آن درخت به

زمین می‌ریخت، آن را برگرفته و می‌خوردند ولی صاحب درخت، میوه را از دهان اطفال

می‌گرفت. پدر اطفال مسئله را به پیامبر اکرم ﷺ گزارش داد.

حضرت نزد صاحب خانه رفته و پیشنهاد کردند درخت را در برابر درختی در بهشت به من بفروش. آن مرد جواب رد به پیامبر داد و گفت: دنیای نقد را به آخرت نسبیہ نمی‌فروشیم. پیامبر برگشت. یکی از یاران پرسید: آیا اگر من آن درخت را بگیرم و با من نیز چنین معامله‌ای می‌کنید؟ حضرت فرمود: آری. آن شخص توانست با بهایی چندین و چند برابر، درخت را خریداری کند و در اختیار پیامبر گذارد. آن حضرت به نزد آن خانواده فقیر آمده و درخت را به آنها بخشید. در این هنگام آیات این سوره نازل شد. ^(۱) ﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ وَ صَدَقَ بِالْحَسَنَىٰ...﴾

□ هر کس گام اول سخاوت را بر اساس ایمان به معاد و تقوی بردارد، خدا ظرفیت و شرایط روحی او را برای کارها هموار می‌کند و روح او را با کار خیر مأنوس می‌گرداند، تجربه و تعقل و کاردانی او را بالا می‌برد، الهام و ابتکار به او می‌دهد، پذیرش مردمی و اجتماعی او را زیاد می‌کند و راه‌های جدیدی را برای کار خیر پیش پای او می‌گذارد که همه اینها مصداق ﴿فسینسره للیسری﴾ است.

□ نکته لطیف آن است که قرآن می‌فرماید: او را برای آسان‌ترین راه آماده می‌کنیم ﴿فسینسره للیسری﴾ و فرمود: کار را برای او آسان می‌کنیم «سنیسر له الیسری» و فرق است میان آنکه انسان روان باشد یا کارش روان باشد. انسان می‌تواند با توکل و دعا و اتصال به قدرت بی‌نهایت آسان‌داری چنان سکینه و سعه صدر شود که هر کاری را به راحتی بپذیرد و انجام هر کار خیر برای او آسان باشد.

□ در تاریخ کربلا می‌خوانیم که همین که زینب کبری بدن قطعه قطعه امام حسین علیه السلام را دید گفت: «رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا هَذَا الْقَلِيلَ» پروردگارا این شهید در نزد عظمت تو کوچک است او را بپذیر! آری ایمان و تقوی انسان را در برابر هر حادثه بیمه کرده و کار روان و آسان می‌کند. امام حسین علیه السلام درد شمشیر را حس نمی‌کردند و این است معنای ﴿فسینسره للیسری﴾

□ مراد از کلمه «یسری» و «عسری» که در قالب مؤنث آمده است، کارها یا راه‌های آسان و

۱. تفسیر نمونه.

مشکل است.

آنچه مهم است، اصل بخشش است، نوع و مقدار آن در مرحله بعد است. عطا گاهی کم است، گاهی زیاد، گاهی از مال است و گاهی از مقام و آبرو.

□ کلمه‌ی «حُسنی» یا مصدر است مثل رُجعی و یا مؤنث احسن است.

□ امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «و اما من اعطی و اتقی و صدق بالحسنی فسینسره لیسری» فرمودند: «لا یرید شیئا من الخیر الا یره الله له» چیزی را اراده نمی‌کند مگر آنکه خداوند انجام آن را برای او آسان می‌کند.^(۱)

و در تفسیر آیه «و اما من بخل واستغنی و کذب بالحسنی فسینسره للعسری» فرمودند: «لا یرید شیئا من الشر الا یره الله له» درباره انجام دادن هیچ شری تصمیم نمی‌گیرد مگر آنکه خداوند انجام آن شر را برای او آسان کرده و مرتکب می‌شود.^(۲)

پیام‌ها:

۱- شیوه تبلیغ صحیح این است که بعد از کلیات، نمونه‌ها و مصادیق بیان شود.

«ان سعیکم لشتی فاما من اعطی»

۲- عطا همراه با تقواکار ساز است. «اعطی و اتقی»

۳- عطا باید بدون ریا و غرور و منت و آزار باشد. «اعطی و اتقی...»

۴- آنچه عطا می‌کنید مهم نیست، چگونه و با چه انگیزه و حالت عطا کردن مهم است. «اعطی و اتقی»

۵- شرط پذیرفته شدن عطا، تقواست. «اعطی و اتقی» (وگرنه عطای مال حرام یا با نیت غیر خالص اجری ندارد، زیرا «انما یتقبل الله من المتقین»^(۳))

۶- آخرت، بهتر از دنیا است. «الحسنی»

۷- کسی می‌تواند به عطای خود رنگ الهی داده و اهل پروا باشد که به معاد ایمان داشته باشد. «و صدق بالحسنی» (قرآن به وعده‌های قیامت حُسنی گفته است.

۱. کافی، ج ۴، ص ۶۶. ۲. کافی، ج ۴، ص ۴۷. ۳. مائده، ۲۷.

﴿كُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى﴾^(۱)

- ۸- ایمان به قیامت، شرط پذیرفته شدن عمل است. ﴿و صدق بالحسنى﴾
- ۹- بخل و مغرور شدن به مال، نشانه بی تقوایی است. ﴿من بخل واستغنى﴾
- ۱۰- گشایش یا گره خوردن کارهای انسان، نتیجه سخاوت یا بخل انسان نسبت به دیگران است. ﴿اعطى... لیسرى، بخل... للعسرى﴾
- ۱۱- نیکی، نیکی می آورد و شر، شر. ﴿اعطى واتق... فسئیسره لیسرى - بخل واستغنى... فسئیسره للعسرى﴾
- ۱۲- پاداش و کیفر الهی متناسب با رفتار انسانهاست، اگر گره از کار فقرا باز کنیم، خداوند گره از کار ما باز می کند. ﴿فسئیسره لیسرى﴾ و اگر فقرا را در عسرت گزاریم، خداوند هم عسرت را پیش پای ما می گذارد. ﴿فسئیسره للعسرى﴾
- ۱۳- اهل بخل بدانند که ثروت نجات دهنده نیست. ﴿و ما یغنى عنه ماله اذا تردى﴾
- ۱۴- نتیجه بخل سقوط است، سقوط از انسانیت، کمال و چشم مردم همراه با سقوط در دوزخ و محروم شدن از درجات اخروی. ﴿اذا تردى﴾
- ۱۵- گاهی منشأ بخل امروز، غنی ماندن، به خاطر ترس از فقر در آینده است. ﴿بخل واستغنى﴾ (چنانکه در آیه ۲۶۷ و ۲۶۸ سوره بقره در کنار دستور انفاق می فرماید: این شیطان است که شما را از فقر آینده می ترساند. ﴿انفقوا... الشیطان یعدکم الفقر﴾)
- ۱۶- گاهی سرچشمه بخل، مغرور شدن به دنیا و احساس بی نیازی نسبت به وعده های بهشتی است. ﴿بخل واستغنى﴾

﴿۱۲﴾ إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ ﴿۱۳﴾ وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ
 ﴿۱۴﴾ فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّىٰ ﴿۱۵﴾ لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى
 ﴿۱۶﴾ الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿۱۷﴾ وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى ﴿۱۸﴾ الَّذِي
 يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّىٰ ﴿۱۹﴾ وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَىٰ
 ﴿۲۰﴾ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَىٰ ﴿۲۱﴾ وَلَسَوْفَ يَرْضَىٰ

(۱۲) همانا هدایت (مردم) بر عهده ماست. (۱۳) و بی شک آخرت و دنیا از آن ماست. (۱۴) پس شما را از آتشی که زبانه می‌کشد بیم دادم. (۱۵) (آتشی که) جز بدبخت‌ترین افراد در آن در نیاید. (۱۶) همان که (حق را) تکذیب کرد و روی بر تافت. (۱۷) ولی با تقواترین مردم از آن آتش دور داشته خواهد شد. (۱۸) همان که مال خود را می‌بخشد تا پاک شود. (۱۹) در حالی که برای احدی (از کسانی که به آنان مال می‌بخشد،) نعمت و منتی که باید جزا داده شود، نزد او نیست. (۲۰) جز رضای پروردگار بلند مرتبه‌اش، نمی‌طلبد. (۲۱) و به زودی خشنود شود.

نکته‌ها:

- هدایت کردن از جانب خداوند، امری حتمی است، ﴿انّ علینا للهدی﴾ ولی پذیرش آن از سوی مردم حتمی نیست. چنانکه در جای دیگر می‌فرماید: ﴿و اما ثمود فهدیناهم فاستحبوا العمی علی الهدی﴾^(۱)
- «تَلَظَّى»، شعله آتش بدون دود است که سوزندگی زیادتری دارد.
- خلود و جاودانگی در دوزخ مخصوص افراد شقی است. ﴿لایصلاها الاّ الاشقی﴾ در کلمه «صَلَى» ملازمت و همراهی نهفته است. شاید ﴿نارًا تَلَظَّى﴾ که نوع خاصی از آتش است مخصوص افراد شقی باشد و سایر مجرمان به انواع دیگری از آتش گرفتار شوند.

□ آیه ﴿و لسوف یرضی﴾ را دو گونه می توان معنا کرد: یکی آنکه انسان با رسیدن به اهدافش از خدا راضی می شود، دیگر آنکه خداوند از او راضی می شود. البتّه در قرآن، هر دو مورد یعنی رضای خداوند از انسان و رضای انسان از خداوند، در کنار هم آمده است: ﴿رضی اللّٰه عنہم و رضوا عنہ﴾^(۱)، ﴿ارجعی الی ربّک راضیة مرضیة﴾^(۲)

پیام‌ها:

- ۱- یکی از سنّت‌های الهی که خداوند بر خود واجب کرده، هدایت مردم از طریق عقل و فطرت و پیامبران است. ﴿انّ علینا للهدی﴾
- ۲- پذیرش هدایت، به نفع خود شماست، وگرنه خداوند بی نیاز است. ﴿وانّ لنا للاخرة و الاولى﴾
- ۳- هشدار و انذار وسیله هدایت الهی است. ﴿فانذرتکم﴾ (هشدارهای الهی را باید جدی گرفت، زیرا از سوی کسی است که دنیا و آخرت به دست اوست)
- ۴- آتش آخرت، امری ناشناخته و عظیم است. ﴿ناراً﴾ به صورت نکره آمده است.
- ۵- شقاوت مثل تقوی دارای مراحل است. ﴿الاشقی... الاتقی﴾ (کسی که آن همه نشانه‌های هدایت را نادیده بگیرد بدبخت‌ترین است ﴿اشقی، الذی کذب و تولی﴾)
- ۶- تقوی، همراه کمک به محرومان سپری است در برابر آتش دوزخ. ﴿سیجنہا الاتقی الذی یؤتی مالہ﴾
- ۷- کمک به محرومان، شیوه دائمی پرهیزگاران است. ﴿یؤتی﴾
- ۸- کمک از مال شخصی ارزش است. ﴿مالہ﴾
- ۹- نشانه تقوی، کمک‌های مالی خالصانه است. ﴿الاتقی الذی یؤتی مالہ﴾
- ۱۰- کمک به فقرا، راهی است برای تزکیه و خودسازی. ﴿یؤتی مالہ یتزکی﴾
- ۱۱- کمک‌های مالی که براساس جبران خوبیهای دیگران باشد، مایه رشد نیست.

۱. بیّنہ، ۸.

۲. فجر، ۲۸.

- ﴿ما لأحدٍ عنده من نعمة﴾ (انفاقی ارزش دارد که انسان مدیون دیگران نباشد و چشم داشتی هم نداشته باشد)
- ۱۲- متقی، جز رضای خدا به دنبال چیز دیگری نیست. ﴿الآ ابتغاء وجه ربّه الاعلی﴾
- ۱۳- قصد قربت، شرط لازم است. ﴿الآ ابتغاء وجه ربّه﴾
- ۱۴- انفاق باید در راه‌های خداپسندانه باشد. ﴿یؤتی ماله... ابتغاء وجه ربّه﴾
- ۱۵- او پروردگار اعلی است، پس فقط رضای او را جستجو کنید که پاداش اعلی مرحمت می‌کند. ﴿ابتغاء وجه ربّه الاعلی﴾
- ۱۶- انسان مخلص، به مقام رضا می‌رسد و همواره از خداوند خوشنود است. ﴿و لسوف یرضی﴾

«والحمد لله رب العالمین»